

شناسایی ابعاد و مولفه های کاربینی، کارآموزی، کارآفرینی و اشتغال بر اساس نظریه داده بنیاد

حسین مرادی^{۱*}، عبدالحمید دلشاد^۲

^۱ کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه جامع علمی-کاربردی مرکز بندرلنگه، ایران

^۲ دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه جامع علمی-کاربردی مرکز بندرلنگه، ایران

چکیده

کاربینی و کارآموزی از جمله دروسی می باشند که دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی در طول دوران تحصیل خود ملزم به گذراندن آن ها میباشند. نتایج پژوهش ها نشان داده است که کاربینی و کارآموزی سرمایه و ثروت بالقوهای هستند که با ایفای صحیح آن ها کارآفرینی و اشتغال می توانند به فعلیت برسند و بهره وری ملی افزایش یابد؛ و از سویی در پژوهشها ابزار مناسبی برای سنجش و کاربینی، کارآموزی، اشتغال و کارآفرینی وجود ندارد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مولفه های کاربینی، کارآموزی، اشتغال و کارآفرینی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه متخصصان و صاحبانظران در زمینه کارآفرینی و دروس کارآموزی و کاربینی می باشد. در نمونه گیری پژوهش حاصل تعداد افراد نمونه با معیار اشباع نظری تعیین گردیدند. با انجام مصاحبه از متخصصان و صاحبانظران پس از مصاحبه از ۲۰ نفر از متخصصان اشباع حاصل گردید، اما جهت اطمینان بیشتر مصاحبه ها تا ۳۰ نفر ادامه پیدا کرد. در این پژوهش نمونه گیری به شیوه نظری بوده و ابزار مورد استفاده در مصاحبه اکتشافی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از شیوه نظریه پردازی داده بنیاد استفاده شد و داده ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت و در نهایت ابعاد و مولفه های هرکدام از متغیرهای پژوهش شناسایی شد.

واژه های کلیدی: دانشگاه علمی کاربردی بندرلنگه، کاربینی، کارآموزی، کارآفرینی و اشتغال، داده بنیاد.

مقدمه

دروس کاربینی و کارآموزی از طریق پرورش روحیه کارآفرینی، زمینه و بستر مناسب برای کارآفرینی و خوداشتغالی دانشجویان را فراهم نموده و از این طریق میتواند به حل مشکل بیکاری دانشآموختگان کمک نماید. دروس کاربینی و کارآموزی، از یک سو با توجه به بهره مندی از مبانی نظری و استفاده از روش های پذیرفته شده آموزشهای کلاسیک، راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی جدا کرده و این توانایی را در دانشجویان فراهم می کنند تا بتوانند خود را برای مواجهه با تغییرات تکنولوژیکی آماده و هماهنگ نمایند. از سوی دیگر، این دروس با توأم نمودن آموزش های نظری و عملی به دانشجویان فرصت می دهد که همسویی بیشتری با نیازهای بازارکار داشته باشند. بدون تردید از این طریق امکان بیشتری برای جذب و همکاری آنان، بعد از فراغت از تحصیل و دانش آموختگی در فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی و بازارکار فراهم می گردد (حسینی، ۱۳۹۲). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه انتخاب بین آموزش های عمومی و حرفهای به عنوان یک تصمیم دشوار قلمداد میگردد. از منظر نظریه سرمایه انسانی آموزش فنی و حرفه ای موجد سرمایه اختصاصی است. به اتکای مهارت های کسب شده دارندگان آن را برای به دست آوردن جایگاه های شغلی بیشتر آماده می سازد و همین بینش باعث گردیده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در نظام های تعلیم و تربیت، در کنار آموزشهای حرفه ای نیز مورد نظر واقع شوند. بدون تردید، تاکید دانشگاه جامع علمی کاربردی بر آموزش های عملی در قالب دروس کارآموزی و کاربینی از جمله مهم ترین اقدامات اساسی در پرورش روحیه کارآفرینی محسوب می شود. شواهد حاکی از آن است که مداخله های نظاممند از طریق برنامه های آموزش و توسعه آن هم با شناخت گروههای هدف و نیاز باراکار، در شکل دهی به فعالیت های کارآفرینانه اثر بخشی بالایی را به همراه داشته است (گیب^۱، ۲۰۰۵).

کاربینی: درس کاربینی یا بازدید یک درس مهارتی است که در برای تمامی پذیرفته شدگان در مقاطع کاردانی یا کارشناسی ارائه می گردد. درس کاربینی به صورت یک درس عملی به ارزش یک واحد در ترم اول در نظام آموزش مهارتی الزامی است. درس کاربینی در ترم اول جهت آشنایی دانشجو با مشاغل و حوزه های شغلی مرتبط با رشته ارائه می گردد (بخارایی، ۱۳۹۲).

کارآموزی: کارآموزی فرصتی است تا دانش آکادمیک و علمی خود را در یک محیط عملی تطبیق دهید. شکل کارآموزی ممکن است بخشی از برنامه ریزی کارآموزی باشد اما بسیاری از دانشجویان خود، کارآموزیشان را ایجاد می کنند. کارآموزی فرآیندی است که در آن دانشجویان در شرایط واقعی کار درگیر شده و قادر به توسعه هدف های حرفه ای می شوند. از راه کارآموزی در طول دوران تحصیل در دانشگاه، دانشجویان فرصتی را برای اعمال دانش آموخته شده در کلاس درس پیدا کرده و دیدگاه هایی عملی در زمینه کار و جامعه به دست می آورند (چن^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). هنری^۳ و همکاران (۲۰۰۱) اظهار می دارند عنصرهایی که برای موفقیت برنامه های کارآموزی مهم هستند، شامل: تنظیم و حفظ هدف های برنامه کارآموزی؛ توسعه فرصت ها و مکان های کارآموزی، صدورگواهینامه؛ ارزیابی یادگیری کارآموزان و ارزیابی ماهیت برنامه کارآموزی می باشد.

اشتغال: تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده یا بنا به دلایلی به طور موقت کارشان را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می شوند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خود اشتغالان می شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

کارآفرینی: کارآفرینی فرآیند کشف و بهره برداری از فرصت ها به منظور ارزش آفرینی در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و پایه و اساس توسعه پایدار و همه جانبه تلقی می شود (پورنما^۴، ۲۰۱۳). عملکرد کسب و کارها در

¹ Gibb

² Chen et al

³ Henry et al

⁴ Purnama

کشورهای در حال توسعه تحت تاثیر کارآفرینی است (اندوبیسی و ایفتیکار^۱، ۲۰۱۲). کارآفرینی را میتوان یک فرآیند پویا نامید که شامل آرمان، تحول، دگرگونی و خلاقیت می شود. این فرآیند به کاربرد و استفاده ی نیرو و انگیزه ی افراد در جهت خلق و اجرای ایده های نو و هم چنین راه حل های کاربردی احتیاج دارد. اجزای اصلی این فرآیند شامل موارد زیر است: میل به خطرپذیری حساب شده بر اساس زمان، ارزش خالص یا فرصت شغلی، توانایی تشکیل یک تیم در ارتباط با انجام یک کار پر خطر، داشتن مهارت اساسی در پی ریزی و طراحی یک طرح منسجم و پایدار شغلی و داشتن چشم انداز برای یافتن فرصت هایی که دیگران نمیتوانند در یک موقعیت بهم ریخته و پر آشوب دریابند (کوراتکو^۲، ۲۰۱۴).

روش تحقیق

روش این پژوهش نوع خاصی از پژوهش کیفی به نام نظریه داده بنیاد است. نظریه داده بنیاد، هم ابزاری است برای ایجاد نظریه و هم تکنیکی است برای انجام پژوهش کیفی. البته تعریف دقیقی از این روش وجود ندارد و لذا معمولاً برای آن طیفی از تعاریف بر مبنای واژه های تخصصی در منابع گوناگون ارائه شده است که خود میتواند درک این روش را برای پژوهشگران مبتدی تا حدودی مشکل سازد. اگرچه هر یک از رویکردهای مختلف برای تفسیر داده ها اهمیت متفاوتی قابل اند، با این حال تفسیر داده ها در قلب پژوهش کیفی جای دارد. در روش نظریه داده بنیاد نیز تفسیر داده ها، نقش اصلی و محوری را در فرآیند تحقیق ایفا می کند. میتوان نظریه داده بنیاد را یک روش تحقیق کیفی که مجموعه منظمی از رویه ها را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقراء در مورد یک پدیده به کار میگیرد تعریف نمود (استراوس و کوربن^۳، ۱۹۹۰). با این حال میتوان به سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی برای دست یافتن به مدل نظری یا نظریه اشاره نمود.

ابزار و نمونه

در نظریه داده بنیاد از نمونه گیری نظری استفاده می شود و تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرآیند پژوهش سازمان می یابد. در این روش، نمونه گیری به شیوه ای که در پژوهش های کمی انجام می شود، مطرح نیست؛ به عبارت دیگر گستره جمعیت اصلی و ویژگی های آن از پیش مشخص و شناخته شده نیست. از طرف دیگر نقطه شروع در نظریه داده بنیاد کارآسانی نیست و این حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا گام های آغازین پژوهشگر در رسیدن به نظریه را پایه ریزی میکند. یکی از مفروضات زیربنایی نظریه داده بنیاد این است که داده های ناشی از نظریه های گذشته نباید جریان تحقیق و جمع آوری داده ها را جهت دهد. همچنین مرحله اولیه تحقیق بر مبنای نظریه داده بنیاد، ماهیتی اکتشافی دارد (گلیزر، ۲۰۰۲)؛ بنابراین در این پژوهش سعی شد در نقطه شروع از گروهی استفاده شود که جمع آوری داده های مرتبط با نظریه تسریع شود. به همین دلیل مصاحبه با صاحب نظران کلیدی به عنوان نقطه آغازین تحقیق در نظر گرفته شد. مصاحبه انجام گرفته در این تحقیق با توجه به تخصصی بودن موضوع (مولفه و ابعاد کاربرینی، کارآموزی و اشتغال، کارآفرینی) از نوع مصاحبه با متخصصان محسوب می شود. افراد مورد مصاحبه ۲۰ نفر بودند که به شکل هدفمند انتخاب شدند. آنها بر اساس ارتباط با موضوع تحقیق و به سبب اطلاعات، تجربه یا دیدگاهی که درباره موضوع مورد مطالعه داشتند، انتخاب و در جریان تحقیق مشارکت داده شدند. در زمان مصاحبه، چهار سوال اصلی با توجه به هدف و روش تحقیق، از مشارکت کنندگان پرسیده شد. این سوالات عبارت بودند از:

۱. ابعاد و مولفه های درس کاربرینی کدام است؟
۲. ابعاد و مولفه های کارآموزی کدام است؟
۳. ابعاد و مولفه های کارآفرینی کدام است؟

¹ Ndubisi & Iftikhar

² Kuratko

³ Strauss and Corbin

۴. ابعاد و مولفه های اشتغال کدام است؟

در این روش سوال اساسی این است که تا هنگام باید به روند مصاحبه ها ادامه داد و آن را تا کجا پیش برد؟ در پاسخ به این سوال گلنزر و استراوس (۱۹۶۷) معیار اشباع نظری (یک مقوله یا جزء آن) را پیشنهاد می کنند: اشباع نظری مقوله، مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه گیری از گروه های مختلف مربوط به آن مقوله است. در واقع نمونه گیری افزودن بر اطلاعات هنگامی به پایان میرسد که دیگر چیز جدیدی به دست نیاید.

محمدی (۱۳۹۳) معتقد است که نظریه داده بنیاد در هنگام گردآوری داده ها محدودیتی برای خود قایل نیست و در این روش پژوهشگر می تواند از منابع و فنون گوناگون برای گردآوری داده های پژوهش خود بهره گیرد. وی این را بسیار سودمندتر از محدود شدن به یک روش یا به نوع خاصی از داده ها میداند؛ بنابراین سعی شده در ادامه فرآیند نمونه گیری نظری، منابعی جستجو شود که بتوان سریعتر به نظریات دست یافت. با توجه به اینکه نمونه ها ضرورتاً از افراد تشکیل نمی شود و ادبیات تخصصی و نظری مربوط به یک حوزه نیز می تواند به مثابه یادداشت های یک تحقیق میدانی، واحد داده ها و تحلیل تلقی شود (ذکائی، ۱۳۹۱).

بنابراین مصاحبه با متخصصان و صاحبزنان در این زمینه در دستور کار قرار گرفت تا داده های بیشتری جمع آوری شود. این مصاحبه ها با جمعی از مدرسان دانشگاه علمی کاربردی انجام گرفت.

در این مرحله از نمونه گیری نظری، به سه شکل اشباع نظری ایجاد شد. اول از آن جهت که مفاهیم تکراری داشت و دوم به دلیل دستیابی به مفاهیم گسترده تر به طور مکرر مفاهیم جدیدی به دست می آمد و سوم از آن جهت که تقریباً تمامی مصاحبه های مرتبط با کاربینی، کارآموزی، کارآفرینی و اشتغال بود مشخص شد که داده ها به اشباع رسیده است. لازم به توضیح است که با توجه به دورانی بودن و تنیده بودن مراحل نظریه داده بنیاد در هر مرحله از نمونه گیری نظری که بیان شد (مصاحبه با متخصصان) تحلیل و کدگذاری نیز انجام گردید.

تجزیه و تحلیل داده ها

اولین مرحله تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس روش نظریه داده بنیاد، با استفاده از کدگذاری نظری انجام می شود. کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده هایی که به منظور تدوین یک نظریه در نظریه داده بنیاد گردآوری شده اند. این روش را گلنزر و استراوس (۱۹۶۷) مطرح کردند و بعدها توسط گلنزر (۱۹۷۸)، استراس (۱۹۸۷) و استراوس و کوربن (۱۹۹۰ و ۱۹۹۸) بسط پیدا کرد. (فلیک، ترجمه هادی جلیلی، ۱۳۸۷).

کدگذاری نظری شامل سه مرحله است که عبارتند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. البته نباید این سه نوع کدگذاری را متمایز از یکدیگر، یا مراحل به لحاظ زمانی مجزا در فرآیند تفسیر، به شمار آورد. بلکه این ها روش هایی مختلف برای کار با داده های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آنها را جابه جا یا با هم تلفیق می کند. با این حال، فرآیند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرآیند تحلیل، کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح می شود (فلیک، ترجمه هادی جلیلی، ۱۳۸۷).

کدگذاری باز مرحله اول کدگذاری در نظریه داده بنیاد است و هدف اصلی آن بر این است که داده ها و پدیده ها در قالب مفاهیم تشکیل شوند. در این مرحله تلاش شد تا روند تحلیلی اصلی در کدگذاری باز که استاوی و کوربن (۱۹۹۰) آن را عبارت می دانند: از طرح پرسش درباره داده ها، مقایسه وقایع، رویدادها و حوادث مشابه و قرار گرفتن در یک مقوله عمل شود که در زیر به این موارد پرداخته شده است. در پژوهش حاضر ۶۰ کد باز به دست آمد. این کدها در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: فهرست ۶۰ مفهوم بدست آمده در کدگذاری باز

کارآفرینی	اشتغال	کارآفرینی	کارآموزی
ماشین آلات و تجهیزات کار	سطح تحصیلات	اهمیت ایده	کارشناسان کارآموده
محصولات تولید شده (کالا یا خدمات) و نحوه ارائه خدمات	کافی بودن واحدهای کارآموزی	استفاده بهینه از منابع	مسئولان به وظایف خود آگاه باشند
نحوه کنترل کیفیت انجام فعالیت ها	انطباق میان رشته های آموزشی و نیاز بازار کار	نیاز به استفاده از منابع	فضای یادگیری مناسب
جریان کار و فعالیت ها	آموزش مهارت های حرفه ای	عدم تعهد به منابع در صورت عدم نیاز به منابع	امکان استفاده از امکانات
ویژگی های مهارتی	اطلاع اکافی از فرصت های شغلی	انطباق با شرایط در حال تغییر	نظم در برنامه ریزی و تجهیزات
دانش و استعدادها	سطح توقع	حرکت بر اساس ادراکات از فرصت ها	اهمیت دوره برای مدیران و کارکنان
ویژگی های جسمانی	قوانین تامین اجتماعی	دنبال کردن فرصت های با ارزش	حضور کارشناسان پاسخگو
روند کاری، ایمنی و امنیت	ناهماهنگی بین دستگاه های اجرایی	آموزش مهارت ها	تناسب بین تعداد کارآموزان و امکانات
سختی ها و پیچیدگی های کار	روابط پر تنش ایران در سطح جهانی	فرهنگ درک تغییر و کشف فرصت	تسلط بر مهارت های علمی
جاذبه و انگیزه های شغلی	کمبود نقدینگی	فرهنگ مشارکت	حضور به موقع
وضعیت درآمدی و مباحث اقتصادی	پیشرفت های فناوری	ریسک	توضیح های نظری
بازدید از مکان های صنعتی، اداری		چالش طلبی	دقت مربی در انجام وظایف دانشجو
دسترسی به صنایع و حرف مختلف		چالش طلبی	حضور و غیاب دانشجو
		عملگرایی	
		چالش طلبی	

در گام بعدی، کدهای به دست آمده در کدگذاری باز بر اساس پدیده های کشف شده در داده ها که مستقیماً به سوالات تحقیق مربوط میشود، دسته بندی شدند. این کدها باید به شکل بارزتری نمایانگر محتوای سوالات باشند. بدین منظور تلاش شد مفاهیم ۶۰ کد باز بر اساس سوالات مصاحبه ها طبقه بندی شوند؛ یعنی مفاهیمی که مرتبط با هریک از سوالات تحقیق بود به صورت جداگانه در همان سوال در نظر گرفته شد. در طبقه بندی مفاهیم به دست آمده از متن، مفاهیم باید دارای نام و عنوانی باشند که در برگزیده ارتباط بین مفاهیم است. بدین منظور از آثار و ادبیات علوم اجتماعی (کدهای برساخته) یا از اصطلاحات مصاحبه شوندگان (کدهای درونی) استفاده میشود. در این تحقیق از کدهای درونی استفاده شد. به اعتقاد فلیک (۱۳۸۷) این کدها بر کدهای برساخته ترجیح دارند چون به داده های مورد مطالعه نزدیک ترند. نتایج این قسمت در جدول شماره ۲ در قالب کدگذاری محوری نشان داده شده است.

جدول ۲: فهرست ۱۴ مفهوم بدست آمده در کدگذاری محوری

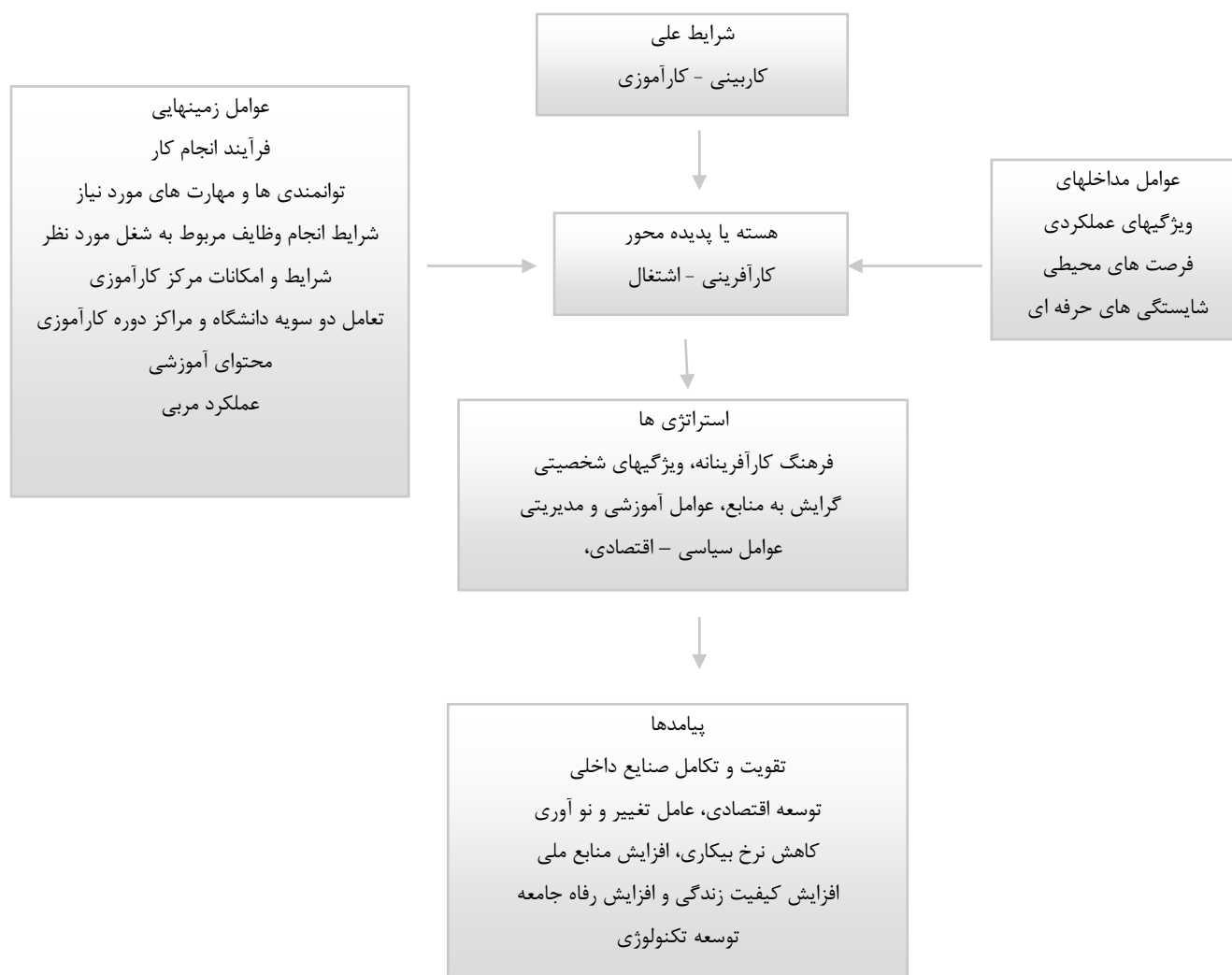
کارآفرینی	کارآموزی	کارآفرینی	اشتغال
فرآیند انجام کار	شرایط و امکانات دوره کارآموزی	گرایش به منابع	عوامل آموزشی و عوامل مدیریتی
توانمندی ها و مهارت های مورد انتظار	عملکرد مربی	گرایش استراتژیک	عوامل فردی
شرایط انجام وظایف مربوط به شغل مورد نظر	محتوای آموزشی	فرهنگ کارآفرینانه	عوامل سیاسی و اقتصادی
	تعامل دوسویه دانشگاه و مرکز کارآموزی	عوامل شخصیتی	

سومین مرحله از کدگذاری، کدگذاری گزینشی است که کدگذاری محوری را در سطح انتزاعی تر ادامه می دهد. در واقع در این مرحله است که محقق بر اساس داده های خود به نظریه میرسد. یکی از مهمترین و مشکل ترین مراحل تحقیق بر مبنای نظریه داده بنیاد، تشخیص و تعیین زمان به پایان رساندن آن است. فلیک (۱۳۸۷) این مرحله را بر عهده محقق می گذارد که درباره نحوه انتخاب و زمان ختم (نمونه گیری و کدگذاری) تصمیم بگیرد. به اعتقاد رنی (۱۹۹۸) بعد از تولید چند مقوله سطح بالا محقق نیازمند تشخیص مفهوم کلیدی است که نظریه را سازمان میدهد. این مفهوم کلیدی که یک مقوله سطح بالا است توسط گلیزر (۱۹۷۸) به عنوان مقوله (مرکزی یا هسته ای) نامیده میشود. در این مرحله وظیفه اصلی محقق تشخیص رشته یا ارتباط مفهومی است که همه مقوله های سطح بالاتر را به یکدیگر پیوند داده و وصل میکند.

جدول ۳: نتایج کدگذاری گزینشی کاربینی، کارآموزی، کارآفرینی و اشتغال

متغیر	ابعاد	مولفه ها
کاربینی	ویژگی های عملکردی	فرآیند انجام کار
		توانمندی ها و مهارت های مورد نیاز
		شرایط انجام وظایف مربوط به شغل مورد نظر
کارآموزی	فرصت های محیطی	شرایط و امکانات مرکز کارآموزی
		تعامل دو سویه دانشگاه و مراکز دوره کارآموزی
	شایستگی های حرفه ای	محتوای آموزشی عملکرد مربی
اشتغال	راهبردهای محوری	عوامل آموزشی و مدیریتی
		عوامل فردی
		عوامل سیاسی - اقتصادی
کارآفرینی	عوامل محیطی	گرایش به منابع
		گرایش استراتژیک
	توانایی های فردی	فرهنگ کارآفرینانه
		ویژگی های شخصیتی

نتایج کدگذاری گزینشی: متغیر کاربینی شامل بعد ویژگی های عملکردی میباشد. متغیر کارآموزی شامل ابعاد فرصت های محیطی و شایستگی های حرفه ای میباشد. متغیر اشتغال در این پژوهش شامل بعد راهبردهای محوری و متغیر کارآفرینی شامل ابعاد عوامل محیطی و توانایی های فردی میباشد.



شکل (۱): مدل ترسیمی کارآفرینی و اشتغال

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد، با اتخاذ یک روند علمی مناسب، بر روی مولفه‌های کاربینی، کارآموزی کارآفرینی و اشتغال توافق بدست آید تا بتوان با استفاده از آن، برای تقویت و تعمیق کارآفرینی و اشتغال در برنامه‌های درسی کاربینی و کارآموزی، تمهیدات لازم را اندیشید. در این تحقیق چندین مولفه برای بهبود دوره‌های کاربینی و کارآموزی در راستای دستیابی به هدف‌های یادگیری مورد انتظار از این دوره شناسایی و معرفی شد. این عوامل و مولفه‌ها در واقع مولفه‌های تشکیلی لدهنده دوره کارآموزی و کاربینی و ایفای نقش موثر طرف‌های مختلف درگیر در برگزاری دوره و وظایف مورد انتظار است. به هر حال به لحاظ منطقی دستیابی به دستاوردها و پیامدهای مورد انتظار از دوره کارآموزی و کاربینی به کیفیت هر یک از این مولفه‌ها و هم‌افزایی آنها وابسته است.

منابع

۱. بخارایی، مسعود. (۱۳۹۲). کاربینی: خلاصه دستورات عملیهای اجرایی درس کاربینی دانشگاه علمی- کاربردی. دانشگاه جامع علمی کاربردی.
۲. حسینی، سید سعید. (۱۳۹۲). ضرورت و اهداف فرایند گردش کار دروس کارآموزی و کارورزی. همایش ملی کارآموزی دریچه‌های بسوی ارتباط موثر صنعت و دانشگاه. ساری، مازندران.
۳. ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، (۱۷). ۴۱-۷۰.
۴. فلیک، اووخ (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
۵. محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
6. Chen, C.-T., Hu, J.-L., Wang, Ch.-C., Chen, Ch.-F. (2011) A study of the effects of internship experiences on the behavioural intentions of college students majoring in leisure management in Taiwan. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport and Tourism Education*, Vol. 10, No. 2., PP.61- 73.
7. Gibb, A, (2005), " Towards the entrepreneurial University". NCGE, Birmingham
8. GLASER, B. (2002). Conceptualization: On Theory and Theorizing Using Grounded Theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2). 1-31. Retrieved from <http://www.ualberta.ca/~ijqm/>.
9. Glaser, B. G. (1978). *Theoretical Sensitivity*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
10. Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovering of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine.
11. Kuratko, Donald F. (2014). *Entrepreneurship: Theory, process and practice*. The Kelley school of business, Indiana University, Bloomington.
12. Ndubisi, N Iftikhar, K. (2012). Relation between Entrepreneurship, Innovation and Performance, comparing small and medium size Entreprises. *Journal of Research in marketing and entrepreneurship*. Vol 14 no 2
13. Rennie, D.L. (1998). Grounded theory methodology: the pressing need for a coherent logic of justification. *Theory & Practice*, 8(1), 101-119.
14. Strauss, A.L. and Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research*. London: Sage.
15. Henry, J.S., Rehwaltd, S. S. & Vineyard, G.M. (2001). *Congruency*
16. Hisrich, R. D. and M. P. Peters. (2008). 'The Individual Entrepreneur in Entrepreneurship', McGraw Hill Publishing
17. Purnama, c, (2013), "Influence Analysis of Organizational Culture Organizational Commitment Job and Satisfaction Organizational Citizenship Behavior (OCB) Toward Improved Organizational Performance", *International Journal of Business, Humanities and Technology*, Vol. 3 No. 5
18. Strauss, A.L. and Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research*. London: Sage.

Identifying the Dimensions and Components of Internship, Apprenticeships, Entrepreneurship and Employment Based On the Grounded Theory

Moradi, Hossein ^{*1}, Abdolhamid Delshad²

1. MSc in Educational Research, University of Applied Sciences, Bandar Lengeh Branch, Iran

2. Ph.D. in Educational Management, University of Applied Sciences, Bandar Lengeh Branch, Iran

Abstract

Internship and apprenticeships are among courses that students of applied academic institutions are required to attend during their period of study. Research results have shown that internship and apprenticeships are potential assets and wealth and with their proper functioning, entrepreneurship and employment can be activated and national productivity increases. And on the one hand, there is not a good tool f in the researches or measuring internship, apprenticeship, employment and entrepreneurship. Therefore, the present study aims to identify dimensions and components of internship, apprenticeship, employment and entrepreneurship. The statistical population consisted of all experts in internship and apprenticeship courses. In the research sampling, the sample size was determined by theoretical saturation criterion. saturation was obtained After interviewing experts with 20 subjects, but for more reliability, the number of interview increased to 30 subjects. In this research, sampling is theoretical and is a tool used in exploratory interviews. In order to analyze the data, the method of data transfer theory was used and data were collected at three levels of open, pivotal and selective coding. Finally, the dimensions and components of each of the research variables were identified.

Keywords: Applied University of Bandar Lengeh, Internship, Apprenticeship, Entrepreneurship and Employment, Grounded Theory
